

DOI: <https://doi.org/10.22067/jls.v0i0.75128>

قرآن درست کردن (تأملی بر بیتی از سعدی شیرازی)

دکتر مجتبی مجرد^۱

چکیده

ادبیات پارسی سرشار از ستایش مقام و منزلت پیامبر اکرم (ص) است. یکی از معروف‌ترین نعت‌های نبوی، در دیباچه بوستان سعدی رقم خورده است. ابیات این بخش، شهرت فراوانی یافته و به مرور زبانزد خاص و عام گردیده است. یکی از بیت‌های مشهور این ستایش‌نامه، بیت:

یتیمی که ناکرده قرآن درست کتبخانه چند ملت بشت

است. عموم شارحان و مفسران بوستان در توضیح این بیت، عبارت «قرآن درست ناکردن» را به «تمام نشدن وحی» تعبیر کرده‌اند. این در حالی است که اصطلاح مذکور، در حوزه کتابت و تدوین قرآن کاربرد داشته است. ما در این نوشته می‌کوشیم با بررسی دقیق نظرات شارحان، به واکاوی اصطلاح «قرآن درست کردن» در دست‌نویس‌ها و متون فارسی بپردازیم و از این رهگذر معنای دقیق بیت را - که عموم شارحان بوستان بدان عنایتی نداشته‌اند - تبیین کنیم.

کلیدواژه: سعدی، بوستان، پیامبر، قرآن درست کردن.

۱- مقدمه

در بوستان سعدی و ذیل نعت سید المرسلین علیه الصلوٰه والسلام بیت معروفی آمده است که تقریباً تمام دست‌نویس‌های بوستان در ضبط مصرع نخست آن اتفاق نظر دارند:

یتیمی که ناکرده قرآن درست کتبخانه چند ملت بشست

(سعدی، ۱۳۸۴: ۳۶)

در برخی از دست‌نویس‌های بوستان، مصرع دوم به شکل «کتب‌خانه هفت ملت بشست» ضبط شده است (برای نمونه رک: همان: ۴۲۱). عموم شارحان بوستان، این بیت را- که در ادامه دیگر ابیات معروف سعدی در منقبت و نعت رسول اکرم (ص) ذکر شده- شبیه به یکدیگر معنی کرده‌اند و به‌ویژه مصرع نخست را به معنی «زمان کامل نشدن وحی بر پیامبر» دانسته‌اند. سروری (م ۹۶۹ ق.) که از شارحان متقدم بوستان سعدی است در شرح این بیت به ناتمامی وحی بر پیامبر اشاره کرده و می‌نویسد: «یتیمی بی‌پدری که، ناکرده قرآن درست: یعنی وحی قرآن هنوز تمام نشده بر وی، کتب‌خانه چند ملت بشست و محو کرد» (سروری، ۹۷۰: ۹ الف).

شارحان دیگر بوستان نیز سخن سروری را در تفسیر و توضیح بیت پسندیده و مطابق نظر وی به شرح این بیت پرداخته‌اند. سودی بسنوی (م ۱۰۰۵ ق.) که حدود نیم‌قرن با سروری فاصله دارد، عبارت درست ناکرده را چنین توضیح داده است: «ناکرده: نا حرف نفی. ناکرده یعنی هنوز نکرده. قرآن مفعول اول آن است. درست: در اینجا به معنی تمام، مفعول دوم ناکرده است» (سودی، ۱۳۵۲، ۱: ۶۳). پس از این توضیحات دستوری، خلاصه معنای بیت را بدین گونه آورده است: «یعنی پیش از آنکه تمام وحی نازل شود، کتبخانه چند دین را بشست. حاصل: شریعت‌های پیش از شریعت خود را نسخ و ابطال نمود» (همان، ۱: ۶۴). شرح سروری و بسنوی بر این نکته اتفاق نظر دارند که منظور از بیت آن است که پیامبر پیش از اتمام وحی، شریعت‌های دیگر را منسوخ کرده بود. باوجوداین، هیچ‌یک از این دو شرح کهن، برای تفسیر عبارت «ناکرده قرآن درست» به «تمام نشدن وحی» شاهدی ارائه نکرده است.

عبدالواسع هانسوی (سده ۱۱-۱۲) که دستی در دستور زبان فارسی داشته و چند رساله در این حوزه به رشته تحریر درآورده، در شرح خود بر بوستان سعدی کوشیده است با توجیحات دستوری، به معنی بیت بپردازد. وی «ناکرده قرآن درست» را صفت یتیم نمی‌داند بلکه می‌نویسد: «حال است از

ضمیر بشست که عاید است به جانب یتیم». با این توجیه، وی نیز در نهایت به همان نتیجه‌ای می‌رسد که شارحان پیش از وی بیان کرده‌اند: «یعنی پیش از آنکه تمام قرآن بر آن سرور کائنات نازل شود، همه ادیان و ملل را منسوخ ساخت» (هانسوی، بی تا: ۸ ب)

یکی دیگر از شارحان صوفی مسلک بوستان که در هند می‌زیسته، سید علیم الله حسینی چشتی سرهندی معروف به علیم الله چالندری (۱۱۰۹-۱۲۰۲ ق.) است (برای شرح حال و آثار وی ر.ک: حسنی، ۱۳۸۲، ۷: ۳۴۶؛ بغدادی، ۱۳۳۹، ۱: ۱۴۸). وی شرح خود را *انهار الاسرار* نامیده است و کوشیده با رویکردهای صوفیانه - به ویژه نگره‌های ابن عربی - و فلسفی به تفسیر ابیات بوستان پردازد و در این راه چنان مسیر افراط پیموده که گاه چندین صفحه در تفسیر یک بیت آورده، درحالی که مطالبش ارتباطی با بیت ندارد و شرحی است بر فلان یا بهمان موضوع عرفان نظری. وی در توضیح بیت مانحن‌فیه نیز شرح نسبتاً مفصلی آورده است اما در نهایت به تکرار سخن پیشینیان پرداخته است: «یعنی وی علیه‌السلام پیش از آنکه تمام قرآن بر وی نازل شود، چند ملت را منسوخ ساخت و کتب‌خانه آن‌ها را معطل گردانید» (چالندری، ۱۲۳۶: ۴۵ ب).

در سال ۱۳۱۸ قمری، چاپی از بوستان در بمبئی و به صورت سنگی منتشر شده است. این کتاب که به اهتمام قاضی عبدالکریم بن قاضی نورمحمد صاحب مرحوم پلندری به چاپ رسیده شامل متن و شرح بوستان - در هامش - است. در این کتاب نیز «درست ناکردن قرآن» توسط پیامبر، به شیوه شارحان پیشین، چنین تفسیر شده است: «آن حضرت چنان یتیم است [کذا] که پیش از آنکه تمامی قرآن بر او نازل شود همه ادیان و ملل را منسوخ ساخت» (سعدی، ۱۳۱۸: ۷)؛ اما شارح در ادامه سخنش، احتمال دیگری را نیز مطرح کرده است که نشان می‌دهد در باب این تفسیر دچار تردید بوده است. در احتمال دوم، «درست ناکردن قرآن» به معنی «ناآشنایی با خواندن» مطرح شده است: «یا [به احتمال دیگر] درحالی که خواندن درست ننموده بود یعنی با وصف بودن کتب‌خانه، ملل سابقه را بی حکم کرد» (سعدی، همان). اگرچه این احتمال دوم، نخستین بار از سوی این شارح مطرح شده، اما وی نیز هیچ شاهی برای احتمالات تفسیری سخن خود نیاورده و قراین لفظی و متنی نیز - چنان که اشاره خواهیم کرد - این تفسیرها را تحمل نمی‌کند.

دکتر محمد خزائلی در شرح بوستان خود - به احتمال زیاد، متأثر از شروح پیشین - مصرع نخست را به معنی «عدم نزول کامل قرآن» دانسته است: «پیغمبر اکرم پیش از ولادت، پدر خود را از دست

داده بود، اما پیش از آنکه قرآن به نحو کامل بر او نازل شود، مکتب چند ملت و در حقیقت مکتب همه ادیان را منقرض ساخت و با قرآن خود کتاب‌های آسمانی دیگر را منسوخ گردانید» (خزائلی، ۱۳۵۳: ۴۸).

دکتر غلامحسین یوسفی که در دوره معاصر، علمی‌ترین و مهذب‌ترین تصحیح از بوستان سعدی را به دست داده است، در توضیح این بیت، پس از اشاره به واژه‌های یتیم و ملت می‌نویسد: «مفهوم بیت چنین است: یتیمی که هنوز وحی قرآن بر او تمام نشده بود، با رسالت خود کتاب‌های ادیان دیگر را بی‌اعتبار کرد» (سعدی، ۱۳۸۴: ۲۱۳). دکتر رضا انزایی نژاد و دکتر سعید قره‌بگلو نیز در شرح بوستان خود «درست کردن» را به معنی «نیک آموختن» و «روان کردن» آورده‌اند و در ادامه نوشته‌اند: «توضیح دکتر یوسفی هم پذیرفتنی است» (سعدی، ۱۳۷۸: ۱۹۱).

چنان که یاد شد، عموم شارحان بوستان از قرن دهم تاکنون در معنای مصرع نخست این بیت اتفاق نظر داشته‌اند و «ناکرده قرآن درست» را به معنی «تمام نشدن وحی بر پیامبر» گرفته‌اند. این معنا چند اشکال نحوی و لغوی دارد. نخست آنکه به تصریح بیت، فاعل «درست ناکرده» باید شخص پیامبر (ص) باشد نه خداوندی که بر او وحی می‌فرستد: «آن یتیمی که هنوز قرآن را درست نکرده...» حال آنکه شارحان، فاعل را خداوند گرفته‌اند: «هنوز خداوند وحی خود را بر پیامبر کامل نکرده بود...» و یا به صیغه مجهول معنی کرده‌اند: «هنوز وحی بر پیامبر کامل نشده بود...». به هر روی، نحو جمله نشان می‌دهد که عبارت «یتیمی که قرآن درست ناکرده» باید به گونه‌ای معنا شود که فاعل «درست ناکرده» خود پیامبر (ص) باشد، در غیر این صورت باید به توجیهاات متکلفانه دست یازید که با منطق سهل و ممتنع سعدی و قواعد زبان فارسی هم‌خوان نیست.

اشکال دوم آنکه چگونه ممکن است پیامبر درحالی که وحی بر او تمام نشده، کتاب‌های دیگر ادیان را منسوخ کرده باشد؟ به عبارت دیگر تا زمانی که قرآن به صورت کتاب درنیامده، چطور می‌تواند «کتبخانه چند ملت» را بشوید؟ اصلاً اگر سخن از ناتمامی وحی به میان آید، چه ارتباط معنایی میان مصرع اول و دوم برقرار خواهد بود و لزوم آوردن واژه «کتبخانه» در مصرع دوم چیست؟ طبیعی است که وقتی سعدی سخن از «کتبخانه چند ملت» یا «کتبخانه هفت ملت» به میان می‌آورد، می‌خواهد نسبت و رابطه‌ای میان «درست کردن قرآن» و «کتبخانه» برقرار کند، در غیر این صورت چرا باید به جای واژه «وحی» و سخن از ناتمامی آن، عبارت «قرآن درست ناکرده» را بیاورد؟

اشکال سوم که نقطه کور ماجراست، معنی فعل مرکب «درست ناکردن» است. شارحان بوستان «درست ناکردن قرآن» را به معنی کامل نکردن یا ناقص بودن آن گرفته‌اند و چون ناقص بودن قرآن در نگاه مسلمانان امری نکوهیده بوده، کوشیده‌اند واژه «قرآن» را «وحی» معنا کنند، درحالی که هیچ‌یک از شروح، شاهد و مثالی برای این معنا ذکر نکرده است. در ادامه توضیح خواهیم داد که عبارت «قرآن درست کردن» یک اصطلاح کتابتی و نسخه‌شناسانه بوده که در تمدن اسلامی برای نشان دادن تدوین و گردآوری قرآن به کار رفته است و ارتباطی با ناقص بودن وحی بر پیامبر ندارد.

۲- تدوین قرآن و اصطلاح «درست کردن»

اگرچه در گزارش‌های تاریخی پیرامون گردآوری و تدوین قرآن، اختلاف نظر وجود دارد، اما عموم عالمان و محققان مسلمان معتقدند چون تا زمان حیات رسول اکرم (ص) وحی همچنان استمرار داشت، قرآن در زمان حیات پیامبر (ص) گردآوری نشد و گزارش‌های تاریخی نیز عموماً بر گردآوری قرآن پس از رحلت پیامبر تأکید دارد. البته منظور از گردآوری، تدوین تمام قرآن در یک مصحف (= بین الدفتین) است وگرنه به تصریح بسیاری از مورخان، قطعات قرآن - شامل یک یا چند آیه یا سوره کوچک - در زمان پیامبر به صورت پراکنده و بر چوب، سنگ، پوست و غیره کتابت می‌شده است (ر.ک: رامیار، ۱۳۶۲: ۲۹۰-۲۹۵).

گفته‌اند که بنا به دستور خلیفه اول، تمامی قرآن با نظارت دقیق حافظان و صحابیان بزرگ پیامبر (ص) در یک مجموعه منظم از جنس پوست نوشته شد و سپس این پوست‌ها به یکدیگر دوخته شدند و به شکل یک مصحف درآمدند. در زمان خلیفه سوم، به علت اختلاف قرائت در میان مردم شهرهای گوناگون، دستور داده شد تا یک گروه به سرپرستی زید بن ثابت، از روی مصحف امام - که در زمان خلیفه اول گردآوری شده بود - چند نسخه بنویسند. این نسخه‌ها به همراه یک قاری به مناطق مهم جهان اسلام فرستاده شد تا به‌عنوان متن مرجع مورد استفاده مسلمانان قرار گیرد (ر.ک: سجستانی، ۲۰۰۲: ۸۸-۱۰۶).

این مصحف‌ها که به مصاحف عثمانی معروف شدند، بعدها مورد توجه کسانی قرار گرفتند که به کتابت قرآن روی می‌آوردند. دست‌نویس‌های قرآنی که از قرن‌های اول و دوم هجری باقی مانده، با عنایت به همین مصاحف، کتابت و تدوین شده است. کاتبان قرآن که عموماً با عناوینی مانند «کاتب

المصحف» خوانده می‌شدند (ر.ک: ایبازی، ۱۴۰۵، ۱: ۳۹۰) تمامی مراحل کتابت، مقابله و تصحیح (=بازخوانی‌های مجدد و اصلاح اغلاط کتابتی) قرآن را انجام می‌دادند. از آنجاکه کتابت قرآن منحصر به اعراب نبود و مسلمانان دیگر ممالک از جمله ایرانیان نیز بدین کار رغبت نشان می‌دادند، به تدریج پاره‌ای اصطلاحات پارسی در این حوزه پدید آمد.

یکی از کهن‌ترین اصطلاحاتی که در حوزه کتابت قرآن در میان پارسی‌زبانان رواج داشته، اصطلاح «درست کردن مصحف» بوده است. در حال حاضر، کهن‌ترین سند مکتوبی که در آن به «درست کردن مصحف» یا «درست کردن قرآن» اشاره شده، چند پاره از یک دست‌نویس کهن قرآن است که به خط کوفی جدید و متمایل به نسخ کتابت شده است. در پایان چهار پاره از این قرآن (سه پاره در کتابخانه چستربیتی و یک پاره در کتابخانه ملی اسرائیل) که گویا به دست فردی به نام احمد بن ابوالقاسم خیقانی در سال ۲۹۲ قمری (قرن سوم) تدوین و احیاناً بازنگری شده، این عبارات آمده است:

«این جزء سی‌باره [پاره] جمله درست بکرد بعجم و نقط و تشدید احمد خیقانی...»؛ «این جامع درست بکرد احمد بن ابوالقاسم الخیقانی...»؛ «این جامع را بعجم درست بکردم و کتب الخیقانی بخطه»؛ «این جامع را درست بکرد احمد بن ابوالقاسم الخیقانی...» (کریمی نیا، ۱۳۹۶: ۱۱-۱۳).

مرتضی کریمی نیا که این پاره‌های قرآنی را معرفی و بررسی کرده است در باب فعل درست کردن نوشته است: «این فعلی است که خیقانی آن را در معنای تصحیح متن قرآن و افزودن علائم مختلف از جمله نقطه و اعراب و تشدید به کار برده است... درست کردن در معنای تصحیح متن کاربردی بسیار کهن در این متن نویافته دارد» (همان: ۱۶). سپس با ذکر دو نمونه از مجمل التواریخ و القصص (به نقل از دهخدا) و یک نمونه از تذکره الاولیای عطار این احتمال را مطرح کرده است که این فعل به‌ویژه در عبارت عطار، چون با واژه‌های اعراب و حروف همراه است «دقیقاً در معنای تصحیح متن قرآن به کار رفته است، معنایی که کاربرد بسیار کهن‌تر آن را سه قرن پیشتر در نوشته خیقانی می‌یابیم» (همان: ۱۶-۱۷).

به نظر می‌رسد انحصار فعل «درست کردن» در معنای «تصحیح متن» چندان درست نباشد. نخست بدان دلیل که به تصریح نویسنده، در پایان نسخه چستربیتی Is 1417D آمده است: «این جامع را درست بکرد احمد بن ابوالقاسم الخیقانی و ذلك فی الشعبان سنه اثنی و تسعین و اثنی مائه...»

و باز به تصریح مؤلف مقاله «از میان چهار جزء قرآن موجود در کتابخانه چستریبتی، تنها این نسخه حاوی یادداشتی از خیقانی نیست... اشتباهات قرآنی موجود در این برگ نشان می‌دهد که ظاهراً این جزء از قرآن به دست وی تصحیح نهایی نیافته است. ظاهراً از همین رو، وی در انتهای آن، یادداشتی دال بر دخالت خود در این تصحیح ننوشته است» (همان: ۱۳). می‌بینیم که خیقانی با وجود آنکه نسخه را تصحیح نکرده، باز هم از فعل «درست بکرد» استفاده کرده است؛ بنابراین کاربرد فعل «درست کردن» به معنای تصحیح کردن، دست‌کم با ذکر همین فقره نادرست خواهد بود.

دوم آنکه شواهد ارائه شده برای این فعل، با معنای تصحیح متن سازگار نیست. عبارات *مجملة التواریخ و القصص* چنین است: «من بیست و اند کتاب جمع آوردم از آنک ختنامه (خدای‌نامه) و درست کردم تا ملک به عرب افتادن» و «ما از هر مقاتل که موبدان و صاحب روایت دعوی کنند که از کتب قدیم بجهد بیرون آورده‌اند و درست کرده، نبشتیم مختصر» (همان: ۱۶). چنان که فحوای عبارات نشان می‌دهد در اینجا فعل درست کردن نه به معنای تصحیح متن بلکه به معنای ترتیب دادن، تدوین کردن و تنظیم کردن است چنان که دهخدا در لغت‌نامه ذیل فعل درست کردن این معانی را آورده و سپس همین دو شاهد از *مجملة التواریخ* را نیز ذکر کرده است (ر.ک: دهخدا ذیل درست کردن) شاهدی که از تذکره الاولیا نقل شده نیز معنای تصحیح متن ندارد: «و شما درس کردید و بدان [قرآن] عمل نکردیت. اعراب و حروف درست کردید و بدان بارنامه دنیا می‌سازیت» (کریمی‌نیا، ۱۳۹۶: ۱۶). در این عبارت نیز کاملاً مشخص است که منظور از درست کردن قرآن، به تعبیر دهخدا آموختن قرآن، فراگرفتن علم تجوید و یا تصحیح قرائت و تجوید است (ر.ک: دهخدا ذیل درست کردن) و این معنا با تصحیح متن به کلی متفاوت است. دهخدا بیت سعدی را نیز (یتیمی که ناکرده قرآن درست) نزدیک بدین معنا دانسته و اشاره کرده است که «و در این بیت سعدی (در مدح رسول اکرم) لطفی خاص در استعمال این کلمه است:

یتیمی که ناکرده قرآن درست کتب‌خانه هفت ملت بشست

و شیخ اجل در این بیت از قرآن، سبق اراده کرده است» (همان).

بنابراین فعل درست کردن به‌ویژه زمانی که همراه با واژگانی از قبیل مصحف، قرآن، جامع و شبیه این‌ها بیاید، نه به معنی «تصحیح متن» بلکه به معنی گردآوری و تدوین و تنظیم خواهد بود. با این تعبیر، «قرآن درست ناکردن» یعنی پیش از آن که قرآن گردآوری یا تدوین و تنظیم شود و چنان که

پیشتر نیز اشاره شد، عموم عالمان و پژوهشگران علوم قرآنی متفقاند که قرآن در زمان حیات پیامبر (ص) گردآوری و تدوین نشده است، باوجوداین، به تعبیر سعدی، این کتابی که هنوز در زمان حیات پیامبر (ص) گردآوری و تدوین نشده بود، کتاب‌های دیگر را منسوخ کرد و «کتابخانه هفت ملت را بشست».

بنابراین معنای بیت سعدی را می‌توان چنین دانست که پیامبر (ص) یتیمی بود که پیش از آنکه قرآن را تدوین یا گردآوری کند- و این تعبیر می‌تواند تا پایان عمر پیامبر صادق باشد، زیرا قرآن در زمان حیات ایشان به صورت مصحف گردآوری و تدوین نشد- توانست کتابخانه‌های دیگر ملت‌ها را بشوید. این تعبیر نشان‌دهنده عظمت قرآن کریم است که حتی پیش از تدوین به شکل کتاب، رقیبانش را از میدان به در کرده است. با این تعبیر، مشکلات نحوی و زبانی بیت هم حل و فصل می‌شود: فاعل «ناکرده قرآن درست» شخص پیامبر خواهد بود و دیگر نیاز به این توجیه عجیب نیست که بگوییم هنوز وحی بر پیامبر تمام نشده بود که دیگر ادیان را منسوخ کرد و اساساً نیاز نیست واژه قرآن در این بیت به وحی تأویل شود.

همچنین ارتباط مصرع اول با تعبیر «کتابخانه هفت ملت» روشن و آشکار خواهد شد، زیرا وقتی سخن از کتابخانه به میان می‌آید، طبیعی است که باید پیش از آن سخن از کتابی در میان باشد و تعبیر «ناکرده قرآن درست» به معنی کسی که هنوز کتابش را تدوین نکرده است، با مصرع دوم بسیار هماهنگ است. نکته سوم در باب فعل «درست کردن» است که در این تعبیر با ذکر شواهدی که بیان شد و در ادامه نیز خواهد آمد در معنای مرسوم خود یعنی گردآوری و تدوین و مرتب کردن کتاب به کار رفته است نه معانی نادر و بی‌شاهدی مانند تمام نشدن و ناقص ماندن وحی.

نگارنده برای یافتن شواهد دیگری در باب فعل «درست کردن» جستجوی فراوان کرد، اما تنها توانست در یک منبع دیگر، این فعل را به همین معنا بیابد. امید است که در آینده شواهد دیگر این فعل نیز توسط محققان شناسانده شود. منبع پیش‌گفته، کتاب جغرافیای حافظ ابرو (م ۸۳۳ ق.) است که در قرن نهم هجری تحریر شده است. در یکی از دست‌نویس‌های این کتاب، ذیل توصیف شهر «جزیره ابن عمر» آمده است: «و مولانا شمس‌الدین حریری از این دیار است... و از برای بندگی حضرت، مصحفی به چهارده قرائت درست کرد و روایت قرآء و راویان ترتیب کرده بر حواشی او ثبت فرموده» (حافظ ابرو، ۱۳۷۵، ۲: ۲۵). چنان که از فحوای متن برمی‌آید، مراد از درست کردن

مصحفی به چهارده قرائت، تدوین و تنظیم مصحفی است که در آن روایت‌های چهارده‌گانه قرآنی ثبت شده است.

اتفاقاً یکی از شروح بسیار نفیس و ناشناخته بوستان، با عنوان *بهار بوستان*، تقریباً چنین برداشتی از بیت را ارائه داده است. مؤلف این شرح که در سال ۱۸۹۱ میلادی به صورت سنگی به چاپ رسیده، منشی تیکچند (و بر اساس ضبط خان‌بابا مشار: تیکچند) المتخلص به بهار است که در قرن دوازدهم در قلمرو هند می‌زیسته و علاوه بر شرح مذکور، آثار ارزشمندی از جمله لغت *بهار عجم* را به یادگار گذاشته است (ر.ک: مشار، ۱۳۴۰، ۲: ۱۸۰). در این شرح که یکی از شروح فنی و دقیق بوستان است، ذیل هر بیت، علاوه بر آیات و احادیث مربوط به شعر، نمونه‌هایی از شواهد شعری نیز ارائه شده است. فی‌المثل در شرح مصرع دوم همین بیت می‌نویسد: «و در بعض نسخ معتبره هفت ملت» و در ادامه دو شاهد شعری از ملانظیری و سنجر کاشی آورده تا ثابت کند که هفت ملت در اینجا کنایه از ملل بسیار است (تیکچند بهار، ۱۸۹۱: ۲۲).

تیکچند بهار که فرهنگ‌نویس بوده و در معنای الفاظ و عبارات، دقت بسیار می‌کرده در شرح مصرع نخست این بیت، برخلاف اسلاف و اخلاف خویش، «ناکرده قرآن درست» را نه به معنای «ناتمام ماندن وحی» بلکه به معنای «مرتب نشدن قرآن» دانسته است: «حاصل معنی بیت آنکه پیش از آنکه قرآن شریف مرتب شود، کتب‌خانه ملت‌های سابقه را منسوخ کرد و مراد از آن صحت مورد و کتب منزل است» (همان: ۲۱). به احتمال زیاد، منظور شارح از مرتب شدن قرآن، تدوین و تنظیم آن در یک مصحف بوده است. به هر روی، وی تنها کسی است که در معنای مصرع نخست و مشهور سعدی، این تعبیر را به کار برده است.

۳- خلاصه و نتیجه‌گیری

در بوستان سعدی، ذیل نعت پیامبر ابیات معروفی وجود دارد که یکی از آن‌ها بیت:

یتیمی که ناکرده قرآن درست کتب‌خانه چند [هفت] ملت بشست

است. عموم شارحان و مفسران بوستان، مصرع نخست را بدین صورت معنا کرده‌اند که هنوز وحی بر پیامبر تمام نشده بود که ادیان دیگر منسوخ شدند. این تعبیر دست‌کم سه اشکال دارد، نخست اینکه فاعل «ناکرده قرآن درست» پیامبر است نه خداوند، دوم آنکه در این تعبیر، قرآن بدون

هیچ‌گونه شاهی به وحی تأویل شده و ارتباط مصرع اول و دوم نیز نامشخص است و سوم اینکه فعل «درست ناکرده» به درستی معنا نشده است.

تأمل در دست‌نویس‌ها و متون کهن فارسی نشان می‌دهد که فعل «درست کردن» هنگامی که برای مصحف یا قرآن به کار می‌رود به معنای تدوین و تنظیم آن به صورت کتاب (= بین الدفتین) است؛ بنابراین بیت مشهور سعدی بدین معناست که: پیامبر یتیمی بود که پیش از آنکه قرآن را تدوین یا تنظیم کند، کتابخانه‌های دیگر ملل (=ادیان) را شست و منسوخ کرد. این معنا نه تنها با واقعیت تاریخی گردآوری و تدوین قرآن هماهنگ است، بلکه خالی از اشکالاتی است که در سخنان عموم شارحان بوستان به چشم می‌خورد.

کتابنامه

- ابیاری، ابراهیم. (۱۴۰۵ ق.). *الموسوعة القرآنیة*. بی‌جا: المؤسسة سجل العرب.
- بغدادی، اسماعیل. (۱۳۳۹ ق.). *ایضاح المکنون فی الذیل علی کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- تیکچند بهار. (۱۸۹۱ م.). *بهار بوستان: شرح بوستان سعدی*. لکنهو: مطبع منشی نولکشور.
- چالندری، سید علیم الله حسینی. (۱۲۳۶ ق.). *انهار الاسرار: شرح بوستان سعدی*. دست‌نویس شماره ۱۵۳۹۸-۵ کتابخانه ملی ایران. مورخ ظهر روز یکشنبه ۱۲۳۶ به خط عبدالرحیم ولد میان محمد فاضل.
- حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبدالله خوفاقی. (۱۳۷۵ ش.). *جغرافیای حافظ ابرو*. مقدمه، تصحیح و تحقیق صادق سجادی. تهران: میراث مکتوب.
- حسنی لکنهوی، عبدالحی بن فخرالدین. (۱۳۸۲ ق.). *نزهة الخواطر و بهجة المسامع و النواظر*. حیدرآباد: مطبعة مجلس دائرة المعارف العثمانیة.
- خزائلی، محمد. (۱۳۵۳ ش.). *شرح بوستان*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات جاویدان.
- رامیار، محمود. (۱۳۶۲ ش.). *تاریخ قرآن*. تهران: امیرکبیر.
- سجستانی، ابوبکر بن ابی داود. (۲۰۰۲ م.). *کتاب المصاحف*. حقه و علق علیه محمد بن عبده. قاهره: الفاروق الحدیث للطباعة والنشر.

سروری، مصطفی بن شعبان. (۹۷۰ ق.). شرح بوستان. دست‌نویس شماره ۲۴۷۵۷۸ محفوظ در کتابخانه ملی ایران. مورخ ۲۳ صفر ۹۷۰.

سعدی، مصلح بن عبدالله. (۱۳۱۸ ق.). بوستان. به اهتمام جناب مستطاب قاضی عبدالکریم بن قاضی نور محمد صاحب مرحوم پلندری. بمبئی: مطبع گلزار حسنی.

..... (۱۳۸۴ ش.). بوستان. تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی. تهران: خوارزمی.

..... (۱۳۷۸ ش.). بوستان. شرح و گزارش از دکتر رضا انزابی نژاد و دکتر سعید قره‌بگلو. تهران: جامی.

سودی، محمد. (۱۳۵۲ ش.). شرح سودی بر بوستان سعدی. ترجمه و تحشیه و تهیه متن انتقادی از دکتر اکبر بهروز. تبریز: کتابفروشی حقیقت.

کریمی‌نیا، مرتضی. (۱۳۹۶ ش.). «کهن‌ترین مکتوب تاریخ‌دار فارسی: دست‌نوشته فارسی از احمد بن ابی القاسم خیقانی در قرن سوم». آینه میراث. دوره ۱۵. شماره ۶۱. صص ۹-۲۶.

مشار، خان‌بابا. (۱۳۴۰ ش.). مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی از آغاز چاپ تاکنون. بی‌جا: بی‌نا. هانسوی، عبدالواسع حسینی. (بی‌تا). شرح بوستان. دست‌نویس شماره ۲۷۱۶۱ محفوظ کتابخانه ملی ایران.

